

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

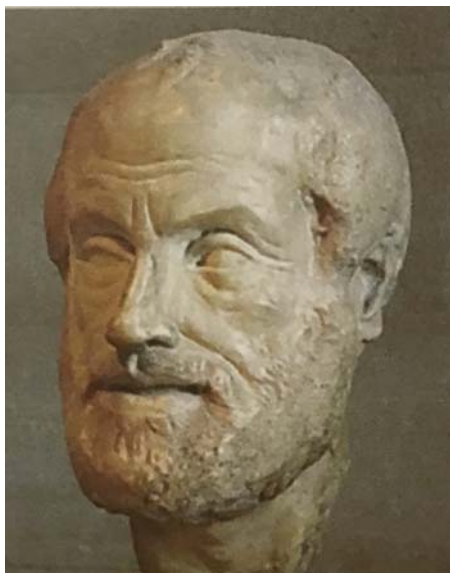
Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی

۲۹ جون ۲۰۲۰

ارسطو دانشمند و فیلسوف بزرگ یونان باستان!



ارسطو در سال ۳۸۴ ق م در شمال یونان در شهر (استاگیروس) در خانواده ثروتمندی به جهان آمد در سن ۱۷ و یا ۱۸ سالگی به اکادمی افلاطون که به نام (فرهنگستان) در "آتن" موقعیت داشت شامل و مدت ۲۰ سال هم درس خواند و هم تدریس می نمود بعد از مرگ افلاطون اداره فرهنگستان را به عهده گرفته و بالاخره مدیریت فرهنگستان را به "اسوس" داد و خودش به آسیای کوچک رفت در آنجا با خواهرزاده فرمانروایی به نام (پا بیتیاس) ازدواج نمود. بعداً نظر به دعوت فیلیپ مقدونی تدریس "اسکندر" مقدونی را به عهده گرفت پس از باز گشت به آتن در سال ۳۳۵ دانشگاهی به نام (لایسیوم) تأسیس نمود. ارسطو یکی از شاگردان برجسته افلاطون و معلم "اسکندر"

مقدونیه بود. کتاب های زیاد در رشته های گوناگون تحریر نموده طور مثال:

فیزیک متافیزیک، شعر، زیست شناسی، منطق، علم بیان، سیاست و اخلاق می باشد.

سقراط، افلاطون و ارسطو از تأثیر گذاران دانشمند فیلسوف یونان باستان به شمار رفته این سه نفر فلسفه غربی را آنطور که به نام شان آشنا می باشد بر اساس فلسفه یونان ما قبل سقراط بیناد نهادند و ارسطو فلسفه را به عنوان دانش زندگی تعریف نمود.

ارسطو را می توان از اولین فیلسوفان تحلیلی یاد نمود و هم چنین واضع منطق نیز هست او با در نظر گرفتن زمین مرکز گیتی و قراردادن فلك ها و اختلاف برای اجرام آسمانی مانند خورشید، ثوابت الگوئی از جهان را برای دوستان و هم مسلکان خودترسیم می کرد. ارسطو چهار عنصر بنیادی کیهان را عبارت از (هوا، آتش، آب، خاک) می دانست.

نقش ارسطو و استادانش، نه تنها در شکل گیری افکار فلسفی، اجتماعی و سیاسی از اهمیت بسزائی برخوردار بود، بلکه به جرأت می توان نوشت، بر صد ها و هزاران سال نیز تأثیر بس مهمی در اداره امور و شناخت شجیهان داشته و من بعد نیز خواهد داشت. مگر این ارجگذاری نباید بدان تعبیر گردد که ما جهان و تفکر را چنان ایستاد چنان پنداریم که مطلقاً ایستاده مانده و از آنچه آنان معرفی داشته اند کمترین حرکت، تغییر و پیشرفتی را شاهد نبودند.

درحقیقت این مشکل اصلی جم غفیری از مردم عادی و حتا دانشمندان نیز می باشد که بزرگانی مانند ارسطو را آنقدر ارج می گذارند که آنها را از جمع انسانها بیرون و افسانه می سازند و بدون آن که متوجه باشند خود در پای آن افسانه و برای آن افسانه زانو زده، در تقابل با افکار، اندیشه ها، و رهنود های قرار می گیرند.

این چنین انسانها که خود را به ظاهر فدائی ارسطو ها قلمداد می نمایند و مدعی اند که گویا افکار آنها هادی و رهنمای راه آنان است، فراموش می کنند که روابط بین آنها خود نمونه های کاملی از گسست با گذشته و راه پیمودن در طریقت جدید است. به مناسبات افلاطون با سقراط و به مناسبات ارسطو با افلاطون دقت نمائید، می بینید که افلاطون با تمام احترامامش به سقراط نه تنها در عقب وی نماند و یا در کنارش ایستاده نشد بلکه از وی جلو زد و با طرح کتاب جمهوریتش مطالبی را مطرح نمود که اساساً به ذهن سقراط نیز خطور ننموده بود، به همین سان مناسبات ارسطو و افلاطون.

خوانندگان نهایت گرامی!

مطالعه آثار و کردار گذشتگان و احترام قایل شدن به آنها نباید بدان بینجامد، که انسان امروز در گذشته ها چنان غرق گردد که شناگری وی را بیرون آورده نتواند بلکه می باید از آنها بیاموزد و به همان سان که آنها از گذشتگان شان عبور نمودند، خود نیز جرأت عبور از گذشتگان را بیابند.